



Original Article

Strict Liability in Indian Legal System: Historical Considerations, Theoretical Foundations

Sohrab Seifi¹, Mahdi Meyhamy² , Hossein Mehrpour³

ABSTRACT

Among the constituent parts of law, shared between public and private law, is civil liability, which has a long history and each legal system has contributed to it. This Article tries to explain the historical roots and theoretical foundations of civil liability in the Indian legal system by emphasizing the theory of strict liability, which is one of the four major theories in this field. In fact, the purpose of this research is to investigate the formation of civil liability in India based on the mentioned theory. This theoretical research, in addition to adopting a historical approach, is based on the descriptive-analytical research method and has collected information in a library form by referring to existing books, documents and articles. The findings of this research indicate that civil liability in India – centered on the theory of strict liability – has been influenced by British law in most of its aspects. However, its foundations are various which have affected the evolution of the traditional legislative and legal system of this country, and as a result, the Indian legislator has not and does not ignore the conditions of the Indian society in the implementation of the relevant rules. One of the most important evidences of this difference is absolute liability, which is derived from strict liability and is used in the field of ultrahazardous activities.

KeyWords: Civil Liability, India, England, Tort, Strict Liability

How to Cite: Seifi, Sohrab, Meyhamy, Mahdi, Mehrpour, Hossein, "Strict Liability in Indian Legal System: Historical Considerations, Theoretical Foundations", Legal Research, Vol. 27, No. 107, 2024, pp:1-18.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.231948.2519>

Received: 07/06/2023-Accepted: 10/10/2023

1. Ph.D. Candidate, Department of Law, Islamic Azad University: UAE Branch, Dubai, United Arab Emirate.
2. Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad university: North Tehran Branch, Tehran, Iran
Corresponding Author Email: dr.mihami@iau-tnb.ac.ir
3. Professor of Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



مسئولیت مدنی محض در نظام حقوقی هندوستان: ملاحظات تاریخی، بنیان‌های نظری

سهراب سیفی^۱، مهدی میهمی^۲، حسین مهرپور^۳

چکیده

از جمله اجزای تشکیل‌دهنده علم حقوق، مشترک بین حقوق عمومی و خصوصی، مسئولیت مدنی است که از پیشینه تاریخی طولانی‌ای برخوردار است و هریک از نظام‌های حقوقی به سهم خود به آن پرداخته‌اند. مقاله حاضر می‌کوشد تا ریشه‌های تاریخی و شالوده‌های نظری مسئولیت مدنی در نظام حقوقی هندوستان را با تأکید بر نظریه مسئولیت محض، که یکی از چهار نظریه عمده در این حوزه است، تبیین کند و تحولات صورت‌گرفته در این زمینه را نشان دهد. در واقع هدف از این پژوهش، بررسی شکل‌گیری مسئولیت مدنی در هندوستان بر اساس نظریه مذکور است. این پژوهش نظری در کنار اتخاذ رویکرد تاریخی بر روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استوار بوده و با ارجاع به کتب، اسناد و مقالات موجود، اطلاعات را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری کرده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن‌اند که مسئولیت مدنی در هندوستان - با محوریت نظریه مسئولیت محض - تقریباً در بیشتر ابعاد خود از قانون انگلستان تأثیر پذیرفته است. باین‌حال، مبانی آن متعددند که همین امر بر تحول نظام تقنینی و حقوقی سنتی این کشور مؤثر است و در نتیجه قانون‌گذار هندی در اجرای قواعد مربوطه، شرایط جامعه هند را از نظر دور نداشته و نمی‌دارد. یکی از مهم‌ترین شواهد این تفاوت، مسئولیت مطلق است که از مسئولیت محض منبعت شده و در زمینه فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک کاربرد دارد.

کلید واژگان: مسئولیت مدنی، هندوستان، انگلستان، خطای مدنی، مسئولیت محض.

استناد به این مقاله: سیفی، سهراب، میهمی، مهدی، مهرپور، حسین، «مسئولیت مدنی محض در نظام حقوقی هندوستان: ملاحظات تاریخی، بنیان‌های نظری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۷، آبان ۱۴۰۳، صص: ۱-۱۸.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.231948.2519>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد امارات متحده عربی، دبئی، امارات متحده عربی
۲. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران شمال، تهران، ایران
ایمیل نویسنده مسئول: dr.mihami@iau-tnb.ac.ir
۳. استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

مبانی و ارکان مختلف مسئولیت مدنی تابعی از شرایط زمانی - مکانی و نیز اوضاع اقتصادی و سیاسی - اجتماعی اند که بر جوامع و کشورهای مختلف حاکم‌اند و در نتیجه بر نظام‌های قضایی تأثیر می‌گذارند، به چهار گروه عمده تقسیم می‌شوند که به آنها نظریه‌ها یا نظام‌های مسئولیت مدنی می‌گویند:

- ۱) نظریه تقصیر (مسئولیت مبتنی بر تقصیر)^۱ که در آن، اشخاص مقصر مسئول شناخته می‌شوند و باید ضرر ناشی از رفتار خود را جبران کنند. در این نظریه، زمانی مسئولیت معنا پیدا می‌کند که خطایی از انسان سرزده باشد. علاوه بر این، وجود فاعل زیان‌رسان مترادف با بدیهی‌ترین و عقلانی‌ترین مبنا برای مسئولیت مدنی است.^۲
- ۲) نظریه مسئولیت محض^۳ (نظریه خطر): شخصی که با رفتار خود خطری را به وجود آورده و موجبات ضرر به دیگران را فراهم کرده است، باید ضرر وارده را جبران کند، حتی اگر مقصر نباشد.
- ۳) نظریه مختلط: این نظریه با ترکیب دو نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت محض، می‌کوشد تا بین هر دو رویکرد پیوند برقرار کند.

- ۴) نظریه قابلیت انتساب (نظریه تضمین حق): این نظریه بر حقوق اشخاص متضرر و ضمانت قانون‌گذار در این زمینه تأکید و کوشش می‌کند تا اولویت و ارجحیت را به حقوق انسان‌ها بدهد.^۴

قانون مسئولیت مدنی یا همان خطای مدنی در هندوستان که موضوع این پژوهش است، تقریباً به‌طور کامل برگرفته از قانون انگلستان می‌باشد و تحت عنوان قواعد مرتبط با عدالت، انصاف و وجدان خوب^۵ به کار گرفته شده و اجرا می‌شود. باین‌حال، دادگاه‌های هند، قبل از اعمال هر قاعده که برگرفته از حقوق انگلستان است، از این اختیار و قدرت برخوردارند تا ببینند که آیا قاعده مزبور با جامعه هند و شرایط موجود در آن سازگار است یا خیر. به عبارت دیگر، باید سناریوهای اجتماعی و اقتصادی در زمان مربوطه و شرایط حاکم بر جامعه را لحاظ کرد.^۶ همان‌طور که امروزه می‌دانیم مفهوم خطای مدنی طی قرن‌ها تکامل یافته و در کشورهایمانند روم باستان، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای مرفعی و نیز تا حدی در هندوستان رشد قابل توجهی داشته است. بنابراین شناخت منشأ و تکامل نظریه خطر در هندوستان، امری ضروری به نظر می‌رسد که پژوهش حاضر آن را از نظر دور نخواهد داشت. اصطلاح Tort معادل فرانسوی کلمه انگلیسی غلط و اشتباه و ترجمه واژه آلمانی غیرقانونی است که در حقوق رومی تحت عنوان delict از آن یاد می‌شود. ضمناً دیگر اصطلاح لاتین، یعنی tortum که ریشه کلمه tort است به ما می‌گوید، خطای مدنی رفتاری است پیچیده؛ چراکه از یک‌سو جرم محسوب نمی‌شود و از سوی دیگر، بعضی صفات و ویژگی‌های جرم را دارا می‌باشد.^۷ به عبارت دیگر، رفتاری را نشان می‌دهد که عادی نیست، بلکه از حالت عادی یا مقرر منحرف می‌شود. خطای مدنی نوعی ظلم است که شخص در حق دیگری مرتکب می‌شود و زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی کاری را انجام دهد که قرار نبوده انجام دهد یا

^۱ Fault-based liability

^۲ کاتوزیان، ناصر، *وقایع حقوقی*، تهران: دادگستر، ۱۳۷۹، ص ۹.

^۳ Strict liability

^۴ سعادت مصطفوی، سید مصطفی و محمدجواد پایکاری، «نگرشی جدید به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه امامیه»، *آموزه‌های حقوقی گواه*، سال ۳، شماره ۱ (پیاپی ۴)، ۱۳۹۶، صص ۱۸۵-۱۵۹، ص ۱۷۴.

^۵ Justice, equity and good conscience

^۶ Upadhyay, Minal. H. "The Law of Torts in India", *International Journal of Research in all Subjects in Multilinguals*, Volume 2, Issue 2, 2014, P 27.

^۷ به همین دلیل عده‌ای از مترجمان از کلمه «شبه‌جرم» برای ترجمه Tort استفاده می‌کنند.

به گونه‌ای رفتار کند که به دیگران آسیب برساند.^۱ در مقاله حاضر، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و همچنین با اتخاذ رویکردی تاریخی، ابتدا ریشه‌های نظریه مسئولیت محض در انگلستان و سپس تأثیر آن بر نظام حقوقی هندوستان مورد مطالعه قرار می‌گیرند. پس از آن، ضمن بحث از تأثیرپذیری سه نظریه عمده مسئولیت محض^۲ بر حقوق هندوستان، تحولات پیش‌آمده در این نظام قضایی و به‌ویژه ظهور و کاربرد دکترین مسئولیت مطلق را مورد توجه قرار خواهیم داد. این دکترین نقطه عطفی در تاریخ قضایی معاصر هندوستان به شمار می‌رود و شاهی بر پویایی این نظام و نیز استقلال آن از کامن‌لا و حقوق انگلستان محسوب می‌شود و می‌توان از آن به‌عنوان دستاورد حقوقی نام برد و در مطالعات تطبیقی از آن استفاده کرد.

۱. تاریخچه نظریه مسئولیت محض در هندوستان

۱.۱. ریشه‌های تاریخی نظریه مسئولیت محض

در انگلستان، یک سده پس از فتح نورمن، یعنی در سال ۱۱۶۶، هانری دوم^۳ که نوه ویلیام فاتح بود، قانون جدیدی وضع کرد که بر طبق آن هیئت منصفه‌ای مشتمل بر دوازده مرد در هر شهرستان برای تصمیم‌گیری در این زمینه که آیا جرایم ادعا شده واقعاً انجام شده‌اند یا نه، منصوب شدند تا بدین وسیله، هم ماهیت و هم میزان محکومیت متهمان را بررسی کنند. از طرف دیگر، وقتی حقوق کامن‌لا^۴ به مجموعه‌ای از الزامات مشخص بدل شد، متهمان چاره را در این دیدند که به آن دست از راه‌حلی متوسل شوند که سخت‌گیری و شدت کمتری داشتند. از جمله راه‌هایی که عملاً به دور زدن محاکم کامن‌لا منجر می‌شد، عضویت افراد در طبقه روحانی بود که از آن با عنوان بهره‌مندی روحانیت^۵ یاد می‌شود. در واقع کسانی که بهره‌مند از این امتیاز بودند، این امکان را در اختیار داشتند تا توسط دادگاه‌های کلیسایی با قوانین نرم‌تر محاکمه شوند. پس تمایل به پیوستن به روحانیت در راستای منفعت بردن از آن، با علاقه بیشتری دنبال می‌شد و در عمل، گریز از عدالت و تضعیف اقتدار سلطنتی را به دنبال داشت که مورد پسند هنری دوم نبود و نهایتاً به انشقاق بین کلیسا و دولت منجر شد. هم‌زمان با وقایع پیش‌رو، دادگاه‌های برپا شده توسط اسقف توماس بکت^۶ در آغاز دادگاه‌های صنفی^۷ و سپس دادگاه‌های عدالت^۸ نامیده شدند و امروزه نیز دادگاه‌های مدنی^۹ نامیده می‌شوند. در دادگاه‌های عدالت، دعاوی مطروحه به جای زبان لاتین، به زبان انگلیسی مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند و این یعنی اینکه سخنرانی‌های بیان‌شده در این دادگاه‌ها برای همه به یکسان قابل فهم بود. من‌حیث‌المجموع، از قانون عدالت با اصطلاح تفسیر کامن‌لا^{۱۰} یاد کرده‌اند.^{۱۱}

1. On, Alexandru-Daniel. "Prevention and the Pillars of a Dynamic Theory of Civil Liability: A Comparative Study on Preventive Remedies", *Research Papers*, 1, 2013.

2. Absolute liability

3. Henry II

4. Common Law

5. Benefit of clergy

6. Thomas Becket

7. Courts of chancery

8. Courts of equity

9. Civil courts

10. Gloss on the common law

11. Arnold-Baker, Charles, the Companion to British History, London: Longcross Denholm Press, 2008, P 484.

با گذشت زمان، از محوریت اصل انتخاب اخلاقی در دادگاه‌های عدالت به نفع گسترش یک سیستم منظم که از اصول عادلانه نشئت گرفته باشد، کاسته شد و قوانین مدونی در همین رابطه شکل گرفتند. در واقع، آنچه قوانین گذشته را از قوانین امروزی جدا می‌کند، تفکیک عملی است که امکان انجام دادن آن توسط متهم وجود داشته باشد، به‌علاوه نیت وی برای دست زدن به عمل مد نظر؛ چراکه این تنها اعمال و رفتارهای انسان است که لحاظ می‌شود.^۱ علاوه بر موارد نام‌برده شده پیش از این، اهمیت نیت در خطای مدنی نیز نکته دیگری است که باید در اینجا بدان اشاره شود. از نقطه نظر تاریخی، نیت ابتدا به شکل آزمون و خطا به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۶۸۱، یکی از قضات انگلستان در جریان پرونده‌ای که در دست داشت، این گونه حکم صادر کرد که قانون آن اندازه که به ضرر طرف مقابل (یا همان فرد زیان‌دیده) می‌پردازد، به نیت فاعل (زیان‌رسان) نمی‌پردازد. از این منظر، نیت به‌عنوان پتانسیلی در نظر گرفته می‌شود که اگر هنوز از مرکزیت و محوریت برخوردار نبوده است، از این به بعد دیگر نمی‌توان آن را مغفول گذاشت. در قانون انگلستان، از نظر هر دو نظام مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی، نیت تقریباً در هر قسم از تصمیمات قضایی تأثیرگذار است. اگر در مواردی بتوان نشان داد که فعل زیان‌بار عمدی بوده یا به دلیل سهل‌انگاری اتفاق افتاده است، این امر ممکن است منجر به زیان کیفری و همچنین جبران خسارت شود. منظور از خسارات جبرانی در این زمینه، وادار کردن متهمان به پرداخت خسارت واقعی است. همچنین خسارات تنبیهی به منظور مجازات نیز در نظر گرفته شده است، یعنی در مواردی که عمد یا قصور نزدیک به عمد می‌تواند توسط قاضی یا هیئت منصفه قابل تشخیص باشد. به زبان امروزی باید گفت که بیشتر پرونده‌های مجرمانه توسط قضات حل و فصل می‌شود؛ مگر اینکه موضوع به قدری جدی باشد که به وجود هیئت منصفه نیاز شود.

۱.۲. ریشه‌های نظریه مسئولیت محض در هندوستان تا پیش از دوران جدید

در روزگار کنونی، مسئولیت محض به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی در هندوستان، بخشی از کامن‌لا محسوب شده و براساس آن دسته از اخلاقیاتی به وجود آمده است که همچون انگیزه‌ای قانونی در بین افراد برای انجام دادن وظایف خود در قبال یکدیگر عمل کرده و در صورت تخلف از وظیفه و تکلیف مربوطه، چاره‌اندیشی می‌کند و راه‌حلی ارائه می‌دهد؛ یعنی به شاکی غرامت پرداخت و ضرر وارده توسط فاعل زیان‌رسان جبران می‌شود. کلمه سانسکریت جیمها، که به معنای خمیده و پیچیده است، در متن قوانین باستانی هندو در زمینه رفتارها و کنش‌های متخلفانه و متقلبانانه استفاده می‌شده است. بنابراین رویکرد فلسفی به قانون جرایم در هند به واسطه مسئولیت دولت از زمان هند باستان شروع شده است که در آن، دولت و پادشاه دو ابزار ضروری برای ارتقای صلح‌آمیز زندگی محسوب می‌شدند. متون متعددی نیز وجود دارد که قانون و نهادهای قانونی، مسئولیت و مصونیت پادشاه، ایده‌های مربوط به منشأ دولت، ماهیت جامعه، مسئولیت‌های حاکمان در قبال افراد و ارائه راه‌حل‌های عادلانه برای افراد آسیب‌دیده و زیان‌دیده را از طریق به‌کارگیری روش‌های آزمون و خطا تعقیب می‌کردند. بعضی از مهم‌ترین این متون عبارت‌اند از واداها، سوتراها، اسمریتیس‌ها،

¹. Sing, Sangram. "Foundation of Torts Law in Britain and India", *Legal Service India E-journal*, 2022, p 3. Available in: <https://www.legalserviceindia.com/legal/article-1734-foundation-of-torts-law-in-britain-and-india.html#:~:text=British%20empire%20brought%20Common%20Law,but%20it%20was%20never%20passed/>

². Jimha

³. Vedas

⁴. Sutras

⁵. Smritis

حماسه‌ها و آرتاساشترا کائوتیلیا^۱. علاوه بر این، در دوران باستان، دولت در قبال پرداخت غرامت به قربانیان تحت تأثیر مقامات سلطنتی بوده است که در امر قضاوت صاحب صلاحیت بوده و بر رای دادگاه‌ها و نظر قضات نفوذ داشته‌اند.^۲ مفهوم مسئولیت نیابتی در هند در دوره ودایی توسعه پیدا کرد و بر طبق آن، پادشاه باید از جان و مال مردم محافظت می‌کرد. اگر اشتباه یا قصوری بر مردم تأثیر سوء می‌گذاشت، پادشاه موظف بود از خزانه شاهی غرامت لازم را پرداخت و ضرر وارده را جبران کند. بر طبق قوانین مانو^۳، که از جمله بانفوذترین و قدیمی‌ترین معاهدات قانونی در شبه‌قاره هند به شمار می‌آیند، در بعضی از موارد، در قیاس با مردم عادی که به پرداخت غرامت با مبالغ عادی جریمه می‌شوند، شاه موظف است چند برابر بیشتر غرامت بپردازد. همچنین اگر خدمتکاری که از طرف اربابش مأمور به انجام دادن کاری شده است، به نفع وی مرتکب عمل ناشایستی شود، این ارباب وی است که مسئول شناخته خواهد شد. پس به محض اینکه معلوم شود عمل خدمتکار در حین اشتغال به نفع ارباب بوده است، مسئولیت معطوف به ارباب می‌شود. هنری مین^۴ در این زمینه می‌نویسد: «قانون مجازات جوامع باستانی قانون جنایت نیست؛ بلکه قانون خطاها یا اگر بخواهیم از اصطلاح تکنیکی استفاده کنیم، قانون تخلفات است».^۵

۳.۱. تکامل نظریه مسئولیت محض در هند در قرن بیستم

در حال حاضر، مسئولیت مدنی یا همان قانون خطای مدنی در هند عمدتاً متأثر از قانون مشابه در انگلستان است که خود در اصول کامن‌لا ریشه دارد. امپراتوری بریتانیا، کامن‌لا و قانون خطای مدنی را به‌طور رسمی از طریق سه دادگاه ریاست جمهوری با تلاش‌های سر هنری مان^۶ و سر جیمز استفنز^۷ به هندوستان برد. در سال ۱۸۸۶ نیز قانون مزبور توسط سر فردریک پولاک^۸ در قالب لایحه تخلفات مدنی^۹ به تصویب رسید، اما هیچ‌وقت عملی نشد. در واقع پولاک بر لغو صور اقامه دعوا و جایگزینی آن با اصول مبتنی بر عقل و اخلاق تأکید دارد که باید توسط وظیفه شهروندی مبنی بر رعایت حقوق سایر شهروندان تحت هر شرایطی تضمین شود تا بدین وسیله، آسیب نزدن و زیان وارد نکردن به دیگری در مقام یک معیار حقوقی و یک هنجار اجتماعی پذیرفته شود.^{۱۰} علاوه بر کامن‌لا به عنوان منبع حقوقی اصلی، قوانین قضائی انگلیسی - هندو و انگلیسی - مسلمان نیز پدید آمدند که تا پیش از استقلال هند در سال ۱۹۴۷، در دادگاه‌های این کشور به کار برده می‌شدند.^{۱۱}

در طول حکومت بریتانیا، دادگاه‌ها در هندوستان به موجب قوانین پارلمان بریتانیا و قوانین هندی موظف شدند که بر اساس «عدالت، انصاف و وجدان خوب» عمل کنند؛ مشروط به اینکه قاعده خاصی برای قانون قابل اجرا که وضع شده است، برای اختلاف در دعوا وجود نداشته باشد. در مورد دعاوی برای جبران ضرر ناشی از تخلفات، دادگاه‌ها از کامن‌لا تا

¹. Kautilya's Arthasashtra

². Malik, Summet, *EBC's V D Kulshreshtha Landmarks in Indian Legal and Constitutional History*, Eastern Book Company, 2023, Part I, P 1.

³. Laws of Manu

⁴. Henry Maine

⁵. Sing, *Ibid*, P 5.

⁶. Sir Henry Mane

⁷. Sir James Stephens

⁸. Sir Frederick Pollock

⁹. Civil Wrong's Bill

¹⁰. Pollock, Frederic, *The Law of Torts*, London: Steven and Sons, 1920, P 4.

¹¹. Krishnan, Jayanth K. and Galanter, Marc. "Personal Law and Human Rights in India and Israel", *Articles by Maurer Faculty*, 2000, PP 106-107. Available at: <https://www.repository.law.indiana.edu/facpub/419/>

آنجا که با عدالت، انصاف و وجدان خوب سازگار بود پیروی می‌کردند و فقط زمانی از چارچوب آن خارج شدند که هریک از قوانین وضع شده برای شرایط هندوستان نامعقول و نامناسب به نظر می‌رسید و در نتیجه از کارآمدی برخوردار نبود. در جریان پرونده جنجالی ام.سی.مهتا علیه اتحادیه هند^۱ که بدان خواهیم پرداخت، قاضی باگواتی^۲ اظهار داشت که ما باید اصول حقوقی جدیدی را توسعه دهیم و هنجارهای جدیدی را وضع کنیم که به اندازه کافی با مشکلات جدیدی که در یک اقتصاد صنعتی مثل هند به وجود می‌آیند، مقابله کند. به اعتقاد وی، نمی‌توان اجازه داد تفکر قضایی هند با استناد به قانون، چنان که در انگلستان حاکم است، دست به اقدام بزند. بنا به گفته وی، مطمئناً هند اگر احساس نیاز کند به سمت سایر منابع الهام بخش حقوقی می‌رود؛ اما نهایتاً باید علم حقوق خود را داشته باشد.^۳

نکته مهم دیگری که نباید از یاد برد این است که مقرر شده تا بند ۹ قانون آیین دادرسی مدنی (که دادگاه مدنی را قادر می‌کند تا به همه دعاوی مدنی رسیدگی کند)، به طور ضمنی صلاحیت اعمال قانون جرایم را به عنوان اصول عدالت، انصاف و وجدان خوب ارائه کند. بنابراین دادگاه می‌تواند اختیارات ذاتی خود تحت بخش نهم را برای توسعه در زمینه مسئولیت مدنی به کار برد. علاوه بر این، در جریان پرونده موسوم به Jay Laxmi Salt Works (p) Ltd. v. State of Gujarat می‌توان به این واقعیت پی برد که شالوده قانون خطای مدنی، مسائل اخلاقی است. پس طبیعتاً در نظام قضایی هندوستان که در حال ترسیم و گسترش چارچوبی مناسب برای مسئولیت‌های مدنی مبتنی بر مسئولیت محض است، این امر به منظور توسعه اجتماعی، تحولات فرهنگی و رشد جامعه انجام شده است. علاوه بر اینکه قانون خطای مدنی اهداف مختلفی دارد که بعضی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: عدالت اصلاحی^۴، عدالت توزیعی^۵، بهره‌وری اقتصادی، اجتناب از هزینه‌های آتی، رعایت انصاف و استمرار برابری، ایجاد یک سیستم عقلانی برای مواجهه با بدشانسی و غیره.^۶

۲. سه نظریه خطای مدنی و تأثیر آنها بر مسئولیت مدنی در حقوق هندوستان

۲.۱. نظریه پولاک

طبق نظر پولاک، خطای مدنی برابر است با فعلی که به صورت عامدانه یا غیرعامدانه موجب آسیب به یک شخص معین می‌شود. پولاک همچنین دو نکته را در تبیین نظری خود از خطای مدنی اضافه می‌کند: (۱) خطای مدنی نقض وظیفه منبعت از روابط شخصی یا قراردادهای شخصی نیست. (۲) خطای مدنی یا با قانون در تضاد است یا غفلت از یک وظیفه قانونی یا اینکه نقض حقوق مطلق^۷ است.^۸

^۱ M. C. Mehta vs Union of India

^۲ Bhagwati

^۳ Bhagwati P. N. "Judicial Activism and Public Interest Litigation", *Columbia Journal of Transnational Law*, 23, 1985, P 575.

^۴ Corrective justice

^۵ Distributive justice

^۶ Babbitt, Ted. "Why tort law is so important", 2017. Available at: <https://www.palmbeachpost.com/marketing/why-tort-law-important/xSNBNudY1nilmLLzAnaSGJ/>

^۷ Absolute right

^۸ بابایی، ایرج و اسماعیل کشاورز، «بررسی تطبیقی ساختار مسئولیت مدنی در حقوق کامن لا و اسلام»، فصلنامه پژوهشی - تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۹۷، صص ۹-۱۰.

۲.۲. نظریهٔ قانون خطای مدنی وینفیلد^۱

وینفیلد را باید حامی اصلی نظریهٔ خطای مدنی به حساب آورد. او می‌گوید تمام صدماتی که به شخص دیگری وارد می‌شود، جرم است، مگر اینکه توجیه قانونی وجود داشته باشد. پس بر طبق این نظریه، جرم نه فقط شامل آن دسته از جرایمی است که نام‌ها و صفات خاصی پیدا کرده‌اند، بلکه شامل این اصل گسترده‌تر نیز می‌شود که همهٔ آسیب‌های غیرقابل توجیه مجرمانه‌اند. این نکته به دادگاه‌ها کمک می‌کند تا جرایم جدیدی تعریف کنند. وینفیلد چنین نتیجه‌گیری می‌کند که قانون خطای مدنی مدام در حال رشد است و گاهی دادگاه‌ها چاره‌ای جز این ندارند که براساس جرایم جدیدی حکم صادر کنند. قابل ذکر است که نظریهٔ ارائه‌شده توسط وینفیلد توسط بسیاری از قضات برجسته مورد حمایت واقع شده است. در واقع باید گفت که وینفیلد هم به وحدت‌گرایی گرایش دارد و هم خواهان نوعی کثرت‌گرایی است. به این معنا که وقتی وی بیان می‌دارد که مسئولیت مدنی را نباید متشکل از بخش مشخص و معینی از خطاهای مدنی به حساب آورد، بلکه باید آن را بر یک‌سری از اصول کلی‌تر استوار کرد که «عبارت است از نقض تعهد قانونی از پیش موجود به نحوی که همه خسارت‌ها را دربر می‌گیرد»^۲ اینجاست که رویکرد وی حالتی وحدت‌گرایانه به خود می‌گیرد. با وجود این، وی اعتقاد دارد که اصل مزبور به معنای از بین بردن مصادیق خطاهای مدنی نیست. علاوه بر این، نمی‌توان ادعا کرد که تعدد خطاهای مدنی امری تثبیت‌شده است، چون این ظرفیتِ دعوی ارائه‌شده است که نشان می‌دهد چگونه خطاهای مدنی می‌توانند از موردی به مورد دیگر متفاوت باشند و در نتیجه با روند افزایش آنها مواجه باشیم.

نظام قضایی هندوستان نظریهٔ خطای مدنی وینفیلد را پذیرفته است که مهم‌ترین گواه آن، جایگزینی مفهوم مسئولیت مطلق به جای مسئولیت محض در بعضی از موارد حقوقی است که در بحث از پروندهٔ ام.سی.مهتا علیه اتحادیهٔ هند مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲.۳. نظریهٔ سالموند^۳

بر اساس این نظریه که به نظریهٔ لانه کبوتر^۴ هم مشهور است، اصل کلی مسئولیت وجود ندارد و اگر شاکی بتواند خطای شکل‌گرفته را ذیل هر یک از خطاهای مدنی موجود تعریف کند، موفق خواهد شد. به گفتهٔ سالموند، خطای مدنی خطایی است که جبران آن مستلزم برقراری دعوی عرفی برای جبران خسارت و زیان غیر منصفانه است و منحصرأ به معنی نقض قرارداد، نقض امانت یا نقض سایر تعهدات صرفاً منصفانه نیست. در واقع سالموند به دنبال یافتن پاسخی به این سؤالات است: آیا قانون خطای مدنی باید محدود به جرائمی باشد که کاملاً در حیطهٔ اختیاراتش است؟ آیا هر عملی که غیرقانونی است و بدون هیچ دلیلی مرتکب شده است، باید در زمرهٔ جرم قرار بگیرد؟^۵

به نظر سالموند، هیچ اصل واحدی را نمی‌توان برای تعیین مسئولیت متخلف به کار برد. فقط خطاهایی که به خوبی تعریف شده‌اند باید جرم تلقی شوند و به زبان تمثیل، در قفس کوچکی به نام لانهٔ کبوتر محبوس شوند. سالموند دامنهٔ خطای

^۱. Winfield

^۲. همان، ص ۱۰.

^۳. Salmond

^۴. Pigeonhole theory

^۵. Verma, Ria. "Analysis of pigeonhole theory under law of torts", 2021. Available in: <https://blog.ipleaders.in/analysis-pigeon-hole-theory-under-law-torts/#:~:text=According%20to%20Salmond%2C%20%E2%80%9CTort%20is,%2C%20other%20merely%20equitable%20obligation.%E2%80%9D/>

مدنی را با تعداد سوراخ‌های تعبیه‌شده در لانه کبوتر مقایسه می‌کند. سوراخ‌های کوچک‌تر بر افعالی مانند حمله، تهمت، ضرب و جرح، تعقیب بدخواهانه و تمام خطاهای شناخته‌شده در این وادی دلالت دارند. سالموند مخالف رویکرد کلی به قانون خطای مدنی است و اعتقاد دارد فقط برای آن دسته از خطاهایی که مشمول جرائم تثبیت‌شده‌اند، راه‌حلی وجود خواهد داشت و بار اثبات بر عهده شاکی خواهد بود تا ثابت کند اشتباه در محدوده یک تخلف مشخص قرار می‌گیرد. اگر خطا در هیچ‌کدام از حفره‌های مزبور قرار نگیرد، پس هیچ ادعایی نمی‌تواند مطرح شود.

در تبیین نظریه سالموند آمده است که این نظریه به معنی اعمال محدودیت بر دادگاه‌ها در زمینه ایجاد جرائم جدید نیست. در عوض، جرائم جدید باید شباهتی به موارد موجود در پرونده‌ها داشته باشند. علاوه بر این، نظریه سالموند تعدد خطاهای مدنی و نیز اضافه شدن به آنها را انکار نمی‌کند. به عبارت دیگر، فضای کافی برای پوشش دادن خطاهای مدنی جدید وجود دارد و بنابراین می‌توان به تعداد سوراخ‌های لانه کبوتر اضافه کرد.^۱

با این حال، نظریه سالموند بسیار مورد انتقاد هم واقع شده است؛ به‌ویژه به این دلیل که خطاهای مدنی جدید زیادی وجود دارند که از نظر قانونی به رسمیت شناخته نشده‌اند و به‌هیچ‌وجه مشابه آنچه قبلاً وجود داشته است نیستند. همچنین به دلیل محصور و محدود شدن شمول، قانون خطای مدنی مورد انتقاد قرار گرفته است؛ چون در دنیای امروزی، تعداد اشتباه‌ها، قصورات و تخلفات با سرعتی تصاعدی در حال افزایش است. در پرونده چاپمن علیه پیکرزگیل^۲، که مربوط به سال ۱۷۶۲ است، اعتقاد بر این است که تعداد خطاهای مدنی بسیار زیاد است و به‌هیچ‌وجه محدود به تعداد خاص و از قبل مشخصی نیست. در پرونده پیزلی علیه فریمن^۳ (۱۷۸۹)، خطای مدنی فریب به‌طور قانونی به رسمیت شناخته شد. دکترین مسئولیت محض در جریان پرونده مشهور رایلندز علیه فلچر^۴ ایجاد شد و خطای مدنی مورد نظر اساساً مشابه هیچ جرم موجود دیگری نبود. در جریان این پرونده، که به نفی خطای عمدی و سهل‌انگاری منجر شد،^۵ شخصی که به‌خاطر مقاصد شخصی در زمین خود چیزهایی مثل سگ را، که احتمالاً کارهای خطرآفرینی انجام دهند، نگهداری کند، باید از فرار آن چیز جلوگیری کند. در غیر این صورت، بدیهی است که برای خساراتی که نتیجه طبیعی نگهداری چنین چیزهایی است، مسئولیت مدنی شکل بگیرد. مسئولیت مدنی تحت این قانون، بدون تقصیر است و فرار چیز خطرآفرین، چه به صورت غیرارادی یا با غفلت یا با نقص یا با عدم آگاهی از وجود آن، دفاعی برای وی محسوب نمی‌شود. این قانون فقط بر استفاده‌های غیرطبیعی (نامتعارف) از زمین دلالت دارد و بر چیزهایی که به‌صورت طبیعی (متعارف) در زمین هستند، دلالت نمی‌کند. قانون مسئولیت مدنی بدون تقصیر به مواردی که در آن فرار یا خروج چیز (مثل سگ) به‌خاطر عمل خدا (مثلاً صاعقه) یا عمل یک بیگانه یا خطای شخص آسیب‌دیده یا رضایت شخص آسیب‌دیده از حضور آن چیز یا در موارد معین مثل حضور آن چیز در جایی که قدرت‌های قانونی حضور دارند، اطلاق نمی‌شود.^۶ در پرونده دیگری موسوم به دونوگوه علیه استیونسون^۷ (۱۹۳۲)، شخص شاکی بعد از آنکه یک حلزون در ته آبجوی خریداری شده پیدا کرد، به دادگاه شکایت کرد. دادگاه هم چنین اظهار داشت که از آنجایی که مورد به‌وجودآمده دال بر ضرری است که به‌طور منطقی قابل پیش‌بینی نبوده است، بنابراین مالک مسئول شناخته نمی‌شود؛ بلکه این سازنده است که باید

^۱. Ibid.

^۲. Chapman v. Pickersgill

^۳. Pasely v. Freeman

^۴. Rynalds vs Fletcher

^۵. قاسم‌زاده، سید مرتضی، *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۸۱.

^۶. Murphy, John. "The merits of Rylands v Fletcher", *Oxford Journal of Legal Studies*. Oxford University Press, 24 (4), 2004, PP 643-669.

^۷. Donoghue v. Stevenson

مسئولیت رفتار سهل انگارانه خود را بر عهده بگیرد. به دنبال تشکیل این پرونده، قاعده همسایگی^۱ و قوانین مربوط به حقوق مصرف کنندگان تدوین شد. در مورد سهل انگاری نیز باید گفت که چنین چیزی متعاقب قضاوت تاریخی شکل گرفت. در جریان پرونده فرنیس علیه فیچت^۲ در سال ۱۹۵۸، چنین اظهار شد که خطاهای مدنی سنتی معروف از یک اصل کلی که مسئولیت ناشی از آنها را تعیین می کند، ناشی نمی شوند. در پرونده روکس علیه برنارد (۱۹۸۶) نیز خطای مدنی ارباب^۳ به رسمیت شناخته شد.

با علم به این تفصیل، دادگاهها به طور صریح یا ضمنی نظریه سالموند را به دلیل ماهیت محدودکننده آن کنار گذاشته اند؛ چون از یک طرف در این نظریه، هیچ زمینه و بستری برای ادغام یا ایجاد خطاهای مدنی جدید وجود ندارد و از طرف دیگر، شاکی بیشتر متضرر می شود زیرا او از داشتن حق اقدام علیه متخلف در دادگاه محروم می شود. به عبارت دیگر، با پیروی از نظریه سالموند، رسیدگی به نیازهای مردم دشوار خواهد بود و چارچوبی قانونی که باید به صورت فوری تدوین شود، به این دلیل که اشتباه قبلاً تشخیص داده نشده است کنار گذاشته می شود. در عوض، نظریه قانون خطای مدنی وینفیلد گسترده تر و کارآمدتر از نظریه سالموند و همین امر دلیلی بر پذیرش این نظریه در حوزه مسئولیت مدنی در نظام قضایی هندوستان است.

۳. ظهور نظریه مسئولیت مطلق و اهمیت آن

حکم دیوان عالی^۴ هند در پرونده معروف ام.سی.مهتا، مفهوم مسئولیت مطلق را مطرح کرد. این پرونده جنجالی به دنبال نشت گاز اولتوم از مجتمع غذایی شیرام^۵ در دهلی در سال ۱۹۸۵ آغاز شد. نشت گاز بلافاصله پس از نشت گاز بوپال^۶ که به فاجعه انسانی بزرگی ختم شد، رخ داده بود و وحشت زیادی را در بین ساکنان دهلی ایجاد کرد. در این حادثه یک نفر جان باخت و تعدادی نیز در بیمارستان بستری شدند. پرونده نامبرده که اصل مسئولیت مطلق و نسبت آن با ثروت و منابع مالی گسترده را بیان می کند،^۷ یکی از نقاط عطف در تاریخ مسئولیت مدنی در قرن بیستم به شمار می آید. بنا بر حکم دیوان عالی هندوستان، در پاسخ به اینکه به کدام ضرورت باید اهمیت بیشتری داد، حق حیات بر حق ضرورت صنعتی ارجح شمرده شده و به این ترتیب، اصل جدیدی تحت عنوان مسئولیت مطلق ایجاد شد: «ما معتقدیم در جایی که یک شرکت درگیر انجام فعالیتی خطرناک یا ذاتاً خطرناک است و به دلیل بروز حادثه در حین انجام دادن چنین فعالیت خطرناک یا ذاتاً خطرناکی، به شخص یا اشخاصی ضرر وارد می شود (به عنوان مثال، نشت گاز سمی)، پس شرکت مزبور اکیداً و مطلقاً موظف به پرداخت غرامت به همه کسانی است که تحت تأثیر حادثه قرار می گیرند و چنین مسئولیتی مشمول هیچ یک از استثنائاتی نیست که براساس اصل ستمگرانه مسئولیت محض تحت قاعده رایلندز علیه فلچر اعمال می شود»^۸.

¹. Neighbor rule

². Furniss v. Fitchett

³. Intimidation

⁴. Supreme Court

⁵. Shriram

⁶. Bhopal

⁷. Mishra, Arun. *M.C. Mehta vs Union of India on 13 January, 2020*. Available in: <https://indiankanoon.org/doc/16059052/>

⁸. Ghosh, Indranil. "The concept of strict and absolute liability: A critique", *Lawyersclubindia*, 2009. Available in: <https://www.lawyersclubindia.com/articles/strict-and-absolute-liability-a-critique-1451.asp>.

به عبارت دیگر، مسئولیت مدنی مطلق، وظیفه‌ای مطلق و غیرقابل تفویض در برابر جامعه است تا بلکه اطمینان حاصل شود هیچ آسیبی به علت انجام دادن فعالیت‌های خطرناک یا ذاتاً خطرناک به کسی وارد نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان گفت که شرکت مربوطه تمام مراقبت‌های معقول را انجام داده است و آسیب وارده بدون هیچ قصوری از سوی او بوده و در نتیجه مسئولیتی بر او وارد نیست. به همین دلیل دیوان عالی هند اعلام کرده است که استنباط مبانی جدید امری ضروری است و قانون‌گذاران هندی باید اصول قانونی^۱ جدیدی را عرضه کنند تا بدین وسیله به مسائل جدیدی، که در جامعه صنعتی پیشرفته هند امروزی رخ می‌دهد، پردازند. دادگاه عالی هند همچنین تصریح کرده است که اجازه نمی‌دهد تفکر قضایی در هند به قوانین انگلستان یا سایر نظام‌های قضایی بیگانه محدود شود؛ چراکه این محدودیت هم می‌تواند استقلال نظام قضایی هند را مخدوش کند و هم از عهده حل و فصل بعضی از مسائل و مشکلات قانونی و حقوقی پیچیده برنیاید. بنابراین استفاده از سایر منابع حقوقی که می‌توانند راهگشا باشند، هیچ مشکلی ندارد و قانون مسئولیت مدنی هند به روی آن باز است؛ اما در همان حال، تأکید بر ساخت نظام قضایی خود کشور هند است که تکرر و تعدد مسائل را پوشش دهد. از این نقطه نظر باید گفت که قانون جدید مسئولیت مدنی که در هند ارائه شده است و بهترین مثال آن را می‌توان در پرونده نشت گاز سولفوریک اولنوم یافت، در دادگاه‌های انگلستان مابه‌ازایی نداشته است.

وجود مسئولیت مطلق در نظام حقوقی هند را باید نقطه عطفی در مباحث مسئولیت مدنی در این کشور به شمار آورد که عملاً آن را از کامن‌لا جدا می‌کند؛ به دلیل اینکه قاعداً نباید در کامن‌لا به دنبال مسئولیت مطلق شد، چون «هیچ مصدق‌ای یافت نمی‌شود که در آن به صرف ورود ضرر، مسئولیت محقق شده و خواننده دعوای جبران خسارت، راهی برای معافیت از مسئولیت نداشته باشد».^۲ در همین زمینه باید یادآوری کرد که این مسئولیت محض (بدون تقصیر) است که به عنوان مثال در مورد افراد غاصب یا افراد بیمه‌گر صدق می‌کند؛ زیرا مسئولیت جبران زیان بر عهده بیمه‌گر نیست؛ بلکه بنا بر بیمه‌نامه، در صورتی که بیمه‌گذار با ریسک مسئولیت مواجه شد، می‌توان به جای او دست به جبران زیان زد. رد پای فقدان مسئولیت مطلق در کامن‌لا را حتی می‌توان در مسئولیت‌های ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای نیز مشاهده کرد؛ زیرا مسئولیت مطلق بر رعایت یکسری معیارها و استانداردهای مراقبتی و نظارتی تأکید دارد و علاوه بر این، استثنائات قانونی نیز بر آن مترتب است.^۳

اغراق نیست اگر بگوییم که حکم دادگاه عالی هند در پرونده ام.سی.مهتا، که ذکر آن قبلاً گذشت، معیار منحصر به فردی از مسئولیت مدنی مطلق در نظام حقوقی هند بنیان گذاشت. در واقع از این منظر، تفاوت اساسی بین معیار مسئولیت مدنی مطلق و مسئولیت مدنی بدون تقصیر در این است که مسئولیت مدنی مطلق به استثنائاتی، که در جریان پرونده رایلندز علیه فلچر فهرست شده‌اند، محدود نیست. دادگاه عالی هند در پرونده مزبور دو واکنش از خود نشان داد:

(۱) دادگاه عالی اعلام کرد که اگر یک فعالیت، مخاطره‌آمیز شدید یا مخاطره‌آمیز ذاتی و طبیعی (مثل کارخانه شیمیایی) باشد و خساراتی از این فعالیت مخاطره‌آمیز به دیگری وارد شود، مسئولیت مدنی بدون تقصیر و مطلق نسبت به جبران تمام خساراتی که از طریق اتفاق حادث شده است، داراست. چنین مسئولیت مدنی مشمول هیچ استثنایی که قانون خطای مدنی در مسئولیت مدنی بدون تقصیر محدود تحت پرونده رایلندز

^۱ Norms

^۲ پارساپور، محمد باقر و سید احمد حسینی، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی در کامن‌لا و حقوق ایران با توجه ویژه به مسئولیت امین»، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۱، ۱۳۹۹، ص ۱۷.

^۳ یزدانیان، علیرضا و هدیه حبیبیان، «مسئولیت جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۹۳، صص ۱۵۵-۱۸۶.

علیه فلچر عنوان کرده است، نیست.

۲) دادگاه عالی هند همچنین اعلام کرده است که میزان جبران زیان در موارد مسئولیت مدنی مطلق مطابق با اندازه و حجم فعالیت مخاطره‌آمیز سنجیده می‌شود.

مثال زیر می‌تواند در این زمینه مفید باشد: فرد الف به‌دنبال نشت گاز سمی کارخانه شیمیایی تولید حشره‌کش که از آن فرد ب می‌باشد، آسیب دیده و دستخوش زیان می‌شود. فرد ب مسئولیت مدنی مطلق نسبت به فرد الف جهت جبران خسارات وارده به وی دارد. ذکر جزئیات بدین قرار است: کارخانه شیمیایی متعلق به فرد الف، در کار تولید محصولات و فراورده‌های حشره‌کش و آفت‌کش است. یک روز، بر اثر برخورد صاعقه به یکی از تانکرهای کارخانه، گاز سمی نشت می‌کند و منجر به آسیب به فرد الف می‌شود. اگر براساس رویه‌های قضایی قبلی عمل کنیم و اگر برای مثال پرونده رایلندز علیه فلچر را ملاک در نظر بگیریم، فرد ب مسئولیت مدنی بدون تقصیر نسبت به فرد الف ندارد؛ چون خروج گاز سمی تحت مقوله قضا و قدر قرار می‌گیرد. باوجوداین، تحت قانون مدنی هند، فرد ب، به علت آسیب و زیانی که نسبت به فرد الف به وجود آورده است، پس درقبال او مسئولیت مدنی مطلق دارد.

از سوی دیگر، اشاره به نظریه سببیت نسبی نیز می‌تواند ما را در فهم هرچه بیشتر مسئولیت مطلق در نظام حقوقی هند یاری رساند. بر طبق این نظریه، مواردی وجود دارند که در آنها ما نه با یک سبب، بلکه با اسباب مختلف و متعددی روبه‌رو هستیم که به انحای گوناگون ایجاد شده و به سبب به وجود آوردن فعل یا رفتار زیان‌باری شده‌اند که می‌توان آن را تحت مقوله مسئولیت مدنی قرار داد. از نگاه نظریه سببیت نسبی، این خطای مدنی نسبی است که مورد پذیرش واقع می‌شود و در نتیجه خود فرض خطر ملغی خواهد شد. از این منظر، در مسئولیت مطلق، با تأکید بر امکان وجود خطرات تعدیل‌شده و فرض وجود آنها در مواردی که برای مثال ما با فراورده‌ها یا مواد تولیدی خطرناک مواجهیم، تقسیم زیان بین طرفین بر انداختن تمام مسئولیت بر دوش خوانده اولویت پیدا می‌کند. در هند که وجود فعالیت‌های صنعتی با ریسک بالا امری است که عیناً مشاهده می‌شود، بسط و گسترش مسئولیت مطلق (که در واقع همان شکل تعدیل‌یافته تقصیر است)، می‌تواند از کارآمدی بیشتری برخوردار باشد. «این توسعه می‌تواند با این استدلال توجیه شود که فقط خواننده نباید بار اثبات را بر عهده داشته باشد، زیرا سببیت نسبی خواهان را مکلف به اثبات می‌کند، قبل از اینکه قواهد مسئولیت مطلق آنها را از بار اثبات خسارت معاف کند»^۱.

در هر صورت، مسئولیت مطلق، براساس قاعده ماهیش شانترا مهتا علیه اتحادیه هند در قانون شبه‌جرم هند، نتیجه منحصربه‌فردی از دکتترین مسئولیت محض در قبال فعالیت‌های فوق خطرناک به دست می‌دهد. براساس سابقه پرونده رایلندز علیه فلچر، یعنی پرونده‌ای که دکتترین هندی مسئولیت مطلق بر آن استوار است، هرکسی که در مسیر استفاده غیرطبیعی از زمینی که مایملک وی است هر چیزی را که ممکن است برای وصول به اهداف خود مورد استفاده قرار دهد، پاسخگوی تمام خسارات مستقیم ناشی از آن است.^۲ در جریان پرونده علیه شرکت شیرام، فقط یک اعتراض مقدماتی توسط وکیل متهم مطرح شد و آن هم اینکه دادگاه نباید در مورد مسائل مربوط به قانون اساسی تصمیم‌گیری کند، زیرا در اصل در دادخواست کتبی ادعای غرامت وجود نداشته است و بنابراین نمی‌توان گفت که چنین مسائلی مطرح است. بااین‌حال در دادخواست کتبی، دیوان ضمن رد ایراد مزبور اظهار داشت که اگرچه این نکته بدون شک درست است که خواهان می‌توانسته تقاضای اصلاح دادخواست کتبی برای گنجاندن دعوای غرامت کند؛ اما صرفاً به دلیل اینکه

^۱. اسکندری، حسین، «مبانی رابطه سببیت در مسئولیت مدنی»، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳.

^۲. Murphy, Ibid, PP 643-669.

چنین کاری را انجام نداده است، پس نمی‌توان تقاضای جبران خسارت را مطرح کرد. درخواست غرامت برای استیفای حق اساسی حیات، مندرج در اصل ۲۱ قانون اساسی است و در برخورد با این‌گونه درخواست‌ها نمی‌توان رویکرد فوق‌فنی اتخاذ کرد که می‌تواند به زیر پا گذاشتن غایات عدالت و عدالت‌خواهی و در نتیجه آسیب رسیدن به بنیاد قانون منجر شود.^۱ در نهایت، دیوان عالی کشور هند موارد زیر را مطرح کرد: «از آنجا که ما در حال تصمیم‌گیری در مورد این موضوع نیستیم که آیا شریرام مرجعی است به مفهوم ماده ۱۲ که مشمول نظم و انضباط حقوق اساسی براساس ماده ۲۱ باشد، پس فکر نمی‌کنیم که راه‌اندازی یک دستگاه ویژه برای تحقیق از غرامت مطالبه‌شده توسط کسانی که ادعا می‌کنند قربانی نشت گاز اولئوم شده‌اند، امری توجیه‌پذیر باشد. اما ما به هیئت مشاوره و دستیاران حقوقی در دهلی دستور می‌دهیم که به پرونده همه کسانی که ادعا می‌کنند به دلیل نشت گاز اولئوم متضرر شده‌اند، رسیدگی کند و از طرف آنها در دادگاهی مناسب برای مطالبه غرامت علیه شریرام شکایت کند. چنین اقداماتی با ادعای غرامت ممکن است توسط هیئت مشاوره و دستیار حقوقی دهلی در عرض دو ماه از تاریخ امروز ثبت شود و اداره امور قضایی شعبه دهلی موظف است بودجه لازم را به هیئت مشاوره و دستیار حقوقی دهلی به منظور تشکیل پرونده و پیگرد قانونی، ارائه نماید».^۲

بنابراین به دادگاه عالی دستور داده شد تا یک یا چند قاضی را که وجودشان ممکن است برای رسیدگی به چنین اقداماتی ضروری باشد معرفی کند تا پرونده حل و فصل و مرگ و بستری شدن شماری از مردم به نحوی جبران شود. در حالی که در انگلستان و بسیاری دیگر از حوزه‌های قضایی کامن‌لا از سابقه رایلندز علیه فلچر برای تحمیل مسئولیت مطلق بر حوزه‌های خاصی از قوانین مرتبط با خسارات استفاده می‌شود و اکیداً هم بر وجود «یک راه حل برای جبران خسارت به زمین یا منافع مربوط به مالکیت زمین» متوسل می‌شود و در نتیجه «خسارات ناشی از صدمات شخصی» را شامل نمی‌شود، دادگاه‌های هند این قاعده را به یک اصل متمایز از مسئولیت مطلق تبدیل کرده‌اند که بر طبق آن، هر شرکت یا نهادی بدون استثنا مسئول است تا غرامت هر کسی را که از حوادث ناشی از افعال خطرناک دچار زیان شده است، جبران کند. همان‌طور که دیده می‌شود، بازتفسیر و استفاده مجدد قوانین هند از سابقه رایلندز علیه فلچر به شدت با رویکرد انگلیسی متفاوت است؛ زیرا شامل انواع مسئولیت‌های ناشی از آن است و نه اینکه محدود به خسارات وارده به زمین باشد.

مخلص کلام آن که دکترین مسئولیت مطلق و اهمیت آن در نظام قضایی هندوستان، بر جدایی تدریجی حقوق این کشور از حقوق انگلستان علی‌رغم تأثیرپذیری از کامن‌لا گواهی می‌دهد. در همین رابطه می‌توان به سخن قاضی باگواتی - که پیش از این ذکر او رفت - اشاره کرد: «قوانین انگلوساکسون معامله‌گرایانه و عمیقاً فردگرا هستند و به قسمی از عدالت‌اتمیزه شده که قادر به پاسخگویی به مطالبات و خواسته‌های جمعی و مقاوم نسبت به تغییرات نیست، گره خورده‌اند. این نظام قضایی به خصوص با هدف حل و فصل موقعیت‌هایی که براساس حقوق خصوصی/ تکالیف شکل گرفته‌اند، توسعه پیدا کرده است و با چالش‌هایی که از دغدغه‌های جدید نشئت گرفته‌اند و به حقوق اجتماعی و دعاوی جمعی افراد ضعیف مربوط‌اند، منطبق نیست».^۳ پس با اینکه مفهوم خطای مدنی در نظام حقوقی هندوستان برگرفته از احکام قضایی دادگاه‌های انگلستان است، اما این کشور به تدوین اصول قانونی جدید و مستقل پرداخته و با مردود اعلام کردن تفکر قضایی محدود به قوانین انگلستان، به اعمال اصلاحات برای خطای مدنی قانونی دست زده است که نتایج آن

¹. Singh, Aditya. "Oleum gas leak case – a case study", 2020. Available in: <https://blog.ipleaders.in/oleum-gas-leak-case-case-study/>

². Ibid.

³. Bhagwati, op.cit., P 570.

را می‌توان از جمله در قانون حمایت از مصرف‌کننده^۱ (۱۹۸۶)، قانون وسایل نقلیه^۲ (۱۹۸۸) یا قانون مسئولیت مدنی عمومی بیمه^۳ (۱۹۹۲) مشاهده کرد.^۴

نتیجه‌گیری

چنانچه دیدیم، در حال حاضر نظریه مسئولیت محض (نظریه خطر) به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در هندوستان به رسمیت شناخته شده است که خود، بخشی از کامن‌لای انگلستان محسوب می‌شود و براساس آن دسته از اخلاقیاتی سازمان یافته است که به‌عنوان انگیزه قانونی در بین افراد برای انجام دادن وظایفشان در قبال یکدیگر عمل و در صورت تخلف از وظیفه و تکلیف مربوطه، چاره‌اندیشی می‌کند. در این نظام حقوقی، به شاکی غرامت پرداخت شده و خسارت توسط فاعل خسارت جبران می‌شود. در واقع از نقطه‌نظر تاریخی، در طول حکومت بریتانیا بر شبه‌قاره هند، دادگاه‌ها در این کشور به موجب قوانین پارلمان در بریتانیا و قوانین هندی موظف بودند که براساس سه اصل «عدالت، انصاف و وجدان خوب» عمل کنند، مشروط به اینکه قاعده خاصی از قانون وضع شده قابل اجرا برای اختلاف در دعوا وجود نداشته باشد. در مورد دعوی برای جبران خسارت ناشی از تخلفات، دادگاه‌ها از کامن‌لای انگلیسی تا آنجا که با عدالت، انصاف و وجدان سازگار بود پیروی می‌کردند و فقط زمانی از چارچوب آن خارج شدند که هر یک از قوانین وضع شده برای شرایط هند نامعقول و نامناسب به نظر می‌رسید و در نتیجه از کارآمدی برخوردار نبود. اینجاست که بحث مسئولیت مطلق در رویه قضایی هند مطرح شد و قانون‌گذاران و قضات طراز اول هند اظهار داشتند که باید اصول حقوقی جدیدی را توسعه داده و هنجارهای جدیدی را وضع کرد که به اندازه کافی با مشکلات اقتصاد صنعتی روبه‌رشد در کشور پرجمعیتی مثل هندوستان، مقابله کنند. پس نمی‌توان اجازه داد که تفکر قضایی هندوستان با استناد به قانون آن‌طور که در انگلستان حاکم است، به اقدامات مشابه مبادرت ورزد. بر طبق این نظر، قطعاً اگر نظام حقوقی هند احساس نیاز کند به سمت سایر منابع الهام‌بخش حقوقی نیز می‌رود تا از آنها استفاده کند؛ اما نهایتاً باید علم حقوق خود را در اختیار داشته باشد.

در همین راستا، نکته مهم دیگری که نباید فراموش کرد این است که در هندوستان مقرر شده است تا بند ۹ قانون آیین دادرسی مدنی که دادگاه‌های مدنی را قادر می‌کند تا به همه دعوی مدنی رسیدگی کنند، به‌طور ضمنی صلاحیت اعمال قانون جرایم را به‌عنوان اصول عدالت، انصاف و وجدان خوب ارائه می‌کند. بنابراین دادگاه‌ها می‌توانند از اختیارات ذاتی خود تحت بخش نهم برای توسعه در زمینه مسئولیت مدنی استفاده کنند. علاوه بر این، از منظری وسیع‌تر، تمام قانون خطای مدنی مبتنی بر اصول اخلاقی است. پس بدیهی به نظر می‌رسد که در هندوستان، افق در حال گسترش مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه مسئولیت محض را بتوان به‌خوبی صورت‌بندی و براساس واقعیات ملموس و عینی مانند توسعه اجتماعی، رشد جامعه هندوستان، فعالیت‌های فرهنگی مختلف و نیز مسائل و نگرانی‌های زیست‌محیطی ۵ به کار گرفت. بنابراین می‌توان بحث را این‌گونه به اتمام رساند که از منظر حقوق تطبیقی، اگر نظام حقوقی هندوستان در زمینه مسئولیت مدنی پیشرفت قابل توجهی داشته است، علت این امر در تفکیک اقسام تقصیر و نظریه‌های مرتبط با مسئولیت مدنی و خطای مدنی است؛ چون تفکیک مزبور باعث شده تا ارزیابی خسارت با درجه و شدت تقصیر ارتباط نزدیکی

1. Consumer Protection Act

2. Motor Vehicles Act

3. Public Liability Insurance Act

4. Ramanathan, Usha. "Tort Law in India 1994", in: *Annual Survey of Indian Law*, 1998, PP 485-512.

5. Sharma, Charu. "Civil Liability for Environmental Damage: An Assessment of Environmental Claims under Private and Public Law in India", PhD Thesis, Macquarie University, 2012.

داشته باشد. در حقوق هندوستان، برخلاف عدم تفکیک دقیق بین درجات مسئولیت مدنی و نیز ارزیابی معیار حاکم بر این تقسیم‌بندی در حقوق کشورهای مانند ایران، تمرکز بیشتر بر تبیین خطاهای مدنی مستقل و توجه به شرایط خاص هر دعواست تا بدین طریق بتوان رأی صادره را بر عدالت و مصلحت استوار کرد. پس کندوکاو در نظام حقوقی هندوستان می‌تواند به ما در رسیدن به نظامی جامع در راستای سامان‌دهی مجدد مسئولیت مدنی کمک کند.

منابع

کتاب

۱. صفایی، سید حسن و حبیب‌الله رحیمی، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران: سمت، ۱۳۹۸.
۲. قاسم‌زاده، سید مرتضی، *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: میزان، ۱۳۸۷.
۳. کاتوزیان، ناصر، *الزامات خارج از قرارداد*، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۴. کاتوزیان، ناصر، *وقایع حقوقی*، تهران: دادگستر، ۱۳۷۹.

مقاله

۵. بابایی، ایرج و اسماعیل کشاورز، «بررسی تطبیقی ساختار مسئولیت مدنی در حقوق کامن لا و اسلام»، *فصلنامه پژوهشی - تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۹۷.
۶. پارساپور، محمد باقر و سید احمد حسینی، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی در کامن لا و حقوق ایران با توجه ویژه به مسئولیت امین»، *نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، دوره ۷، شماره ۱، ۱۳۹۹، صص ۲۶-۳.
۷. روانان، علی، «رابطه سببیت سبب مجمل در حقوق ایران، انگلستان و هندوستان»، *دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره*، دوره ۱۲، شماره ۳۸، ۱۳۹۹، صص ۴۹-۶۶.
۸. سعادت مصطفوی، سید مصطفی و محمدجواد پایکاری، «نگرشی جدید به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه امامیه»، *آموزه‌های حقوقی گواه*، سال ۳، شماره ۱ (پیاپی ۴)، ۱۳۹۶، صص ۱۸۵-۱۵۹.
۹. یزدانیان، علیرضا و هدیه حبیبیان، «مسئولیت جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران»، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۹۳، صص ۱۸۶-۱۵۵.

پایان‌نامه

۱۰. اسکندری، حسین، «مبانی رابطه سببیت در مسئولیت مدنی»، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

References

Books

1. Arnold-Baker, Charles, *the Companion to British History*, London: Longcross Denholm Press, 2008.
2. Bangia, R. K. *The Law of Torts*, Faridabad (Haryana): Allahabad Law Agency, 2008.
3. Garner, Brian A. *Black's Law Dictionary*, 2004.
4. Ghasem-Zadeh, Sayyed Morteza, *Foundations of Civil Liability*, Tehran: Mizan, 2008. (in Persian)
5. Katouzian, Nasser, *Legal events*, Tehran: Dadgostar, 2000. (in Persian)
6. Katouzian, Nasser, *Obligations outside of contract*, Volume 1, Tehran: University of Tehran Press, 1999. (in Persian)

7. Malik, Summet, *EBC's V D Kulshreshtha Landmarks in Indian Legal and Constitutional History*, Eastern Book Company, 2023.
8. Mishra, Arun. *M.C. Mehta vs Union of India on 13 January*, 2020. Available in: <https://indiankanoon.org/doc/16059052/>
9. Pollock, Frederic, *The Law of Torts*, London: Steven and Sons, 1920.
10. Safaei, Sayyed Hassan and Habibollah Rahimi, *Civil Liability (Obligations Outside of Contract)*, Tehran: Samt, 2019. (in Persian)
11. Walker, David, *Oxford Companion to Law*, Oxford: Oxford University Press, 1980.

Articles

12. Babaei, Iraj and Esmaeil Keshavarz, "A Comparative Study of Structure of Civil Liability in Common Law System and Law of Islam", *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, Volume 5, Issue 1, 2018. (in Persian)
13. Babbitt, Ted. "Why tort law is so important", 2017. Available at: <https://www.palmbeachpost.com/marketing/why-tort-law-important/xSNBNudY1nilmLLzAnaSGJ/>
14. Bhagwati, P. N. "Judicial Activism and Public Interest Litigation", *Columbia Journal of Transnational Law*, 23, 1985.
15. Ghosh, Indranil. "The concept of strict and absolute liability: A critique", *Lawyersclubindia*, 2009. Available in: <https://www.lawyersclubindia.com/articles/strict-and-absolute-liability-a-critique-1451.asp/>
16. Krishnan, Jayanth K. and Galanter, Marc. "Personal Law and Human Rights in India and Israel", *Articles by Maurer Faculty*, 2000. Available at: <https://www.repository.law.indiana.edu/facpub/419/>
17. Murphy, John. "The merits of Rylands v Fletcher", *Oxford Journal of Legal Studies*. Oxford University Press, 24 (4).
18. On, Alexandru-Daniel. "Prevention and the Pillars of a Dynamic Theory of Civil Liability: A Comparative Study on Preventive Remedies", *Research Papers*, 1, 2013.
19. Parsa-Pour, Mohammad Bagher and Sayyed Ahmad Hosseini, "A Comparative Study of the Basis of Civil Liability in Common Law and Iran's Law with Special Consideration of Bailee's Liability", *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, Volume 7, Issue 1, 2020. (in Persian)
20. Ramanathan, Usha. "Tort Law in India 1994", in: *Annual Survey of Indian Law*, 1998.
21. Ravanan, Ali, "The relationship between Inconclusive Cause in respect of the Law of Iran and Britain", *Bi-quarterly Journal of Subcontinent Researches*, Volume 12, Issue 38, 2020. (in Persian)
22. Sa'adat Mostafavi, Sayyed Mostafa and Mohammad Javad Paykari, "New approach to civil liability basics in Iran law and Imamieh jurisprudence", *Legal Educations Govah Bi-quarterly Journal*, 3(1), 2017. (in Persian)
23. Sing, Sangram. "Foundation of Torts Law in Britain and India", *Legal Service India E-journal*, 2022. Available at: <https://www.legalserviceindia.com/legal/article-1734-foundation-of-torts-law-in-britain-and-india.html#:~:text=British%20empire%20brought%20Common%20Law,but%20it%20was%20never%20passed/>
24. Singh, Aditya. "Oleum gas leak case – a case study", 2020. Available at: <https://blog.iplayers.in/oleum-gas-leak-case-case-study/>
25. Upadhyay, Minal. H. "The Law of Torts in India", *International Journal of Research in all Subjects in Multilanguages*, Volume 2, Issue 2, 2014.

26. Verma, Ria. “Analysis of pigeonhole theory under law of torts”, 2021. Available in: <https://blog.ipleaders.in/analysis-pigeon-hole-theory-under-law-torts/#:~:text=According%20to%20Salmond%2C%20%E2%80%9CTort%20is,%2C%20other%20merely%20equitable%20obligation.%E2%80%9D/>
27. Yazdani, Alireza and Hedyeh Habibian, “Some Considerations on the Compensation for the Nuclear Damages Based on International Conventions of Nuclear Civil Liability”, *Journal of Legal Research*, Volume 6, Issue 9, 2014. (in Persian)

Thesis

28. Eskandari, Hosein, “Foundations of the causal relationship in civil liability” Ph.D. Thesis, *University of Tehran*, 2015. (in Persian)
29. Sharma, Charu. “Civil Liability for Environmental Damage: An Assessment of Environmental Claims under Private and Public Law in India”, Ph.D. Thesis, *Macquarie University*, 2012.

*This page is intentionally
left blank.*